

تحلیل مناسک حافظ نظام اتوکراتیک در سیاست‌نامه‌ی نظام‌الملک طوسی با تمرکز بر آرای روان‌شناختی اریک برن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۹

ابراهیم استاجی^۱

علی صادقی‌منش^۲

هستی قادری سُهی^۳

چکیده

سیاست‌نامه اثری است متعلق به دوره‌ی سلجوقیان که به قلم یکی از وزرای صاحب‌نام و خراسانی این حکومت، نظام‌الملک طوسی نگاشته شده است. در بررسی این کتاب، بایستی این نکته‌ی مهم را در نظر داشت که وی به‌عنوان یک شخصیت علمی، سیاسی و فرهنگی مطرح که از منطقه‌ی خراسان برخاسته، خواه‌ناخواه ذهنیاتش تحت تأثیر فضای فکری این منطقه است و بررسی اثر وی را می‌توان، به مثابه‌ی بررسی و تحلیل "تأثیرات فضای فکری خراسان" بر ایران آن دوره‌ی تاریخی ارزیابی کرد. در این پژوهش، خواهیم دید که نظام‌الملک طوسی به سبب باورمندی به حکومت سلطنتی مطلق (اتوکراسی)، در پی ترویج نگرشی است که بر بنیاد آن پذیرش اقتدار و خودکامگی پادشاه، امری پسندیده می‌نماید. از این‌رو، زمانی که اثر او را با بهره‌گیری از آرای روان‌شناختی اریک برن مورد بررسی قرار می‌دهیم، نشانگانی از گونه‌ای مناسک در آن می‌یابیم که می‌توان آن را مناسک حافظ نظام اتوکراتیک نامید. مناسکی که می‌کوشد، مردم را به تبادل از جایگاه کودک تطبیق یافته در برابر پادشاهی تشویق کند که خود با حالت والد به کنشگری می‌پردازد. امری که در درازمدت سبب پذیرش اتوکراسی در میان مردم می‌شود و حکومت‌های خودکامه را قدرت و استحکام می‌بخشد. از این جهت، این اثر را

Ebrahimestaji@yahoo.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

۲. دانشجوی دکتری و مدرس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، نویسنده مسؤؤل

birang_mazinani@yahoo.com

sohighaderi@gmail.com

۳. کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی، دانشگاه حکیم سبزواری

می‌توان حاوی نشانگان زبانی یک فرهنگ پذیرای خودکامگی و اتوکراسی ارزیابی کرد که آگاهی دقیق از این موضوع در نوع مواجهه پژوهشگران با این متن ادبی - سیاسی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

واژگان کلیدی: سیاست‌نامه، خواجه نظام‌الملک طوسی، اتوکراسی، اریک برن

۱- مقدمه

سیاست‌نامه یا *سیرالملوک*، نوشته حسن بن علی بن اسحاق (۴۰۸-۴۸۵ ق.) ملقب به خواجه نظام‌الملک طوسی، یکی از متون نثر فارسی است که در آن به آیین کشورداری و حکومت پرداخته شده است و افزون بر آن که از نظر ادبی دارای اهمیت و ارزش فراوانی است، می‌تواند از نظر شناخت وضعیت اجتماعی ایران در دوره سلجوقیان، درخور اهمیت باشد. از دیگر نکات درخور توجه در این اثر آن است که خواجه نظام‌الملک طوسی به‌عنوان یک شخصیت علمی، سیاسی و فرهنگی مطرح که از منطقه خراسان برخاسته، خواه‌ناخواه ذهنیاتش تحت تأثیر فضای فکری این منطقه است و بررسی اثر وی را می‌توان، به‌مثابه بررسی و تحلیل "تأثیرات فضای فکری خراسان" بر ایران آن دوره تاریخی ارزیابی کرد. وی در این اثر که به نیمه دوم قرن پنجم هجری تعلق دارد، کوشیده است در قالب پند و اندرز، حکایاتی کوتاه درباره‌ی شاهان و وزیران و نیز روایت‌های تاریخی، به بیان دیدگاه‌های خود در مورد چگونگی کشورداری بپردازد (بهار، ۱۳۸۶، ج ۲: ۹۶؛ اکبری، ۱۳۸۷: ۱۰۲). آنچه در این پژوهش، درخور توجه و در نوع خود تازه است، پرداختن به مناسکی است که با ترویج اتوکراسی^۱، پذیرش اقتدار مطلق یک فرد در جامعه را آسان می‌سازد. در توضیح این سخن باید گفت که منظور ما از مناسک^۲، اصطلاحی است که در آرای روان‌شناختی اریک برن^۳ (۱۹۱۰-۱۹۷۰ م.) مطرح شده است و نگارندگان از آن برای درک، تحلیل و دست یافتن به پاسخ

۱. در مورد اصطلاح اتوکراسی و اتوکراتیک، معادل‌های فارسی مبین تمامی وجوه مفهومی این اصطلاح نبودند، به همین روی ترجیح نگارندگان به کار بردن همین واژگان در مقاله بود. در ضمن در این مقاله بیشتر تکیه بر وجه اقتدارگرایانه نظام اتوکراتیک است.

2. Rituals

3. Eric Bern

پرسش‌های بنیادین این پژوهش بهره برده‌اند.

در مورد اصطلاح اتوکراسی باید گفت که این اصطلاح در فرهنگ‌های سیاسی، به‌عنوان شیوه‌ای حکمرانی تعریف شده است که دارای این ویژگی‌هاست: (۱) تفوق آشکار یک فرد در رأس نظام اداری؛ (۲) فقدان قوانین یا سنت‌هایی که اعمال فرمانروا را نظارت کند؛ (۳) نامحدود بودن قدرت فرمانروا؛ (۴) به‌دست آوردن قدرت از طریق سنت‌های اجتماعی یا با اتکاء به زور. حکومت‌های سلطنتی که یک حاکم در آن دارای اقتدار مطلق است، اتوکراتیک هستند (روزبه و معنوی، بی‌تا: ۱۰). کیفیت چنین نظام‌هایی رابطه مستقیم با شخصیت فرمانروا دارد و به سبب عدم امکان نظارت و قدرت مطلق صاحب حکومت، امکان ایجاد استبداد در آن بسیار بالا است. ذکر این نکته ضرورت دارد که در این مقاله، بیشتر تکیه بر وجه اقتدارگرایانه نظام‌های اتوکراتیک است.

در این مقاله با بررسی متن *سیاست‌نامه* بر بنیاد آرای روان‌شناختی اریک برن در پی آن هستیم که به دو پرسش بنیادین پاسخ دهیم:

الف) در *سیاست‌نامه* مناسک حافظِ نظام اتوکراتیک به چه شکل قابل مشاهده هستند؟

ب) علل وجود چنین نگرشی در متن *سیاست‌نامه* چیست؟

۲- پیشینه تحقیق

بر اساس تحقیقات صورت گرفته، اثری که بدین شیوه و با بهره‌گیری از آرای اریک برن به چنین بررسی‌ای در *سیاست‌نامه* بپردازد، یافت نشد. تنها نمونه‌ای که روش کار آن با روش کار ما در این مقاله شباهت‌هایی اندک دارد، مقاله‌ای است که در یکی از مجله لاتین به چاپ رسیده است (Sadeghimanesh & Rahimi, 2013). البته افزون بر تفاوت موضوع مقاله مذکور با مقاله پیش رو، متن مورد بررسی مقاله مذکور تذکره *الأولیاء* است که با متن مورد استناد این مقاله، متفاوت است.

افزون بر موارد یاد شده، در کتابی با عنوان "چرا عقب مانده‌ایم؟" نوشته علی محمد ایزدی، شاهد نگرشی مشابه این مقاله به مسائل اجتماعی - سیاسی ایران معاصر هستیم. نگارنده کتاب در فصل سوم، با عنوان "تحلیل شخصیت اخلاقی مان"، مسائل اجتماعی

ایران را بر بنیاد نظریه روان کاوی اریک برن بررسی کرده است (ایزدی، ۱۳۸۵: ۱۷۵-۲۲۹) که البته افزون بر حوزه بررسی مذکور که کاملاً متفاوت با کار پیش روست، روش کار، تفاوت‌هایی آشکار دارد.

۳- آرای روان کاوی اریک برن

از آن جا که بنیاد بررسی ما در این جستار، افکار و آرای اریک برن، روان شناس کانادایی است، پیش از ورود به مبحث اصلی، ضرورت دارد با برخی از مفاهیم روان کاوی او به گونه‌ای مختصر آشنا گردیم. از این رو، در آغاز کار به معرفی مهم‌ترین آرای اریک برن که در پیوند با این جستار هستند، می‌پردازیم. ذکر این نکته ضرورت دارد که گرچه روان کاوی عرصه درک و تحلیل مسائل و نگرش فرد است، در برخی نظریه‌های روان‌شناختی مسائلی مطرح می‌شود که امکان تحلیل رویدادها و نگرش‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد؛ از جمله این نظریات، نظریات روان‌شناختی اریک برن است که با تکیه بر مفهوم تبادل، درکی صحیح از انسان در برخورد با دیگری و دیگران ارائه می‌دهد و امکان تحلیل مسائل اجتماعی را فراهم می‌سازد. وجود پژوهش‌هایی با موضوع تحلیل مسائل اجتماعی با تکیه بر آرای اریک برن که در پیشینه پژوهش نیز به برخی اشاره شد، گواه امکان بهره بردن از این نظریه در درک مسائل اجتماعی است.

۳-۱- تبادل (رفتار متقابل)

بر بنیاد مکتب روان کاوی اریک برن، ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، بویژه از نوع کلامی و رودرروی آن، بایستی محور پژوهش‌های روان‌شناختی و روان‌درمانی قرار گیرد (فیروزبخت، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۰). بر این بنیاد، رفتار متقابل یا تبادل^۱، واحد اساسی برخورد اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و در تعریف آن گفته می‌شود که تبادل عبارت است از ابراز نشانه‌ای انگیزشی از سوی یک فرد و ابراز نشانه‌ای انگیزشی به مثابه پاسخ، از سوی فردی دیگر (هریس، ۱۳۹۱: ۸۵).

۳-۲- الگوی سه بخشی ساختار شخصیت

اریک برن با ارائه الگویی نوین از ساختار شخصیت، سعی در تبیین شخصیت انسان و درک کیفیت تبادل‌هایی داشت که اساس کار او در روان‌درمانی به حساب می‌آمدند. در این راستا، او با تعریف مفهوم "حالت من" شخصیت انسان را به سه بُعد تقسیم کرد. برای تبیین دقیق حالت‌های من و ویژگی‌های آن، باید بدین حالات پرداخت. آنچه در پی خواهد آمد، در همین راستاست.

۳-۲-۱- حالت من والد

در مورد حالت من والد باید گفت که کلیت این حالت پیش از ورود فرد به اجتماع، یعنی از تولد تا پنج سالگی و تحت تأثیر مقررات، باید و نبایدها و هنجارهای والدین پدید آمده است (همان: ۳۰). افکار، احساسات و رفتار فرد زمانی که در این حالت من قرار دارد، درست شبیه پدر و مادر و یا اشخاصی است که در کودکی جانشین آن‌ها بودند و وظیفه نگه‌داری و تربیت کودک را بر عهده داشتند (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۲۳). به همین سبب است که در گفتار فرد در این حالت من، بسامد واژگانی چون "باید"، "هرگز"، "هیچ وقت"، "یادت باشد" و ... بسیار بالاست (هریس، ۱۳۹۱: ۳۵). در این حالت من، استدلال منطقی راهی ندارد و کنشگری فرد، برآیند رفتارها، گفتارها و کردارهایی است که او در دوران کودکی خویش در موضع فروتر شاهد آن بوده است. چنین است که فرد در این حالت، اغلب در حال قضاوت و ارزیابی وقایع پیرامونی بر اساس پیش‌داوری‌هایی است که در گذشته، والدینش به او تلقین کرده‌اند (فیروزبخت، ۱۳۸۴: ۳۵). به طور کلی می‌توان گفت که این حالت من، انعکاسی از گذشته انسان است (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۵۳).

۳-۲-۲- حالتِ منِ بالغ

حالتِ بالغ، تنها حالتِ من است که معطوف به اکنون و زمان حال است. در این حالتِ من، فرد با اتکاء به تمام توانایی‌ها و دانسته‌های خویش می‌کوشد نگاهی جامع و فاقد پیش‌داوری به پیرامون خود داشته باشد و از این رهگذار، به حل مسائل و گذر از چالش‌هایی بپردازد که در همان لحظه، پیش‌روی او قرار گرفته است و تفکر و تأمل او را می‌طلبد (همان: ۵۲ - ۵۳). اریک برن (۱۳۹۱: ۲۰) در مورد این حالتِ من می‌گوید: «این بالغ توست، یعنی تو در این لحظه، یک ارزیابی مستقل و واقع‌بینانه از وضعیت موجود بروز داده‌ای و این جریان فکری، یا مسائلی که می‌بینی [و] یا نتایجی که گرفته‌ای، [همه را] با حالتی به دور از تعصب اظهار می‌کنی». شخص در حالت بالغ، نه خود را برتر از دیگران می‌بیند و نه نیازمند به دیگران. این حالتِ من، شرایطی را فراهم می‌آورد که فرد در آن با بهره‌گیری از تفکر، منطق و استدلال، به تحلیل اوضاع بپردازد و از این رهگذار، به گفت‌وگو با دیگران روی آورد (ایزدی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

۳-۲-۳- حالتِ منِ کودک

در برخی موقعیت‌ها، رفتار، افکار و احساس‌های شخص به‌گونه‌ای است که گویی انعکاسی از رفتارهای او در دوران کودکی اوست. در این مواقع، شخص در حالتِ منِ کودک خود قرار دارد (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۲۳). در تبیین دقیق‌تر حالت کودک باید گفت که این حالتِ من، برخلاف حالت بالغ که ظهور آن اغلب با گونه‌ای تفکر و تأمل همراه است، با احساس کردن و به‌عبارتی، با کنشگری احساسی همراه است. نکته قابل توجه دیگر در مورد حالت کودک آن است که این حالت نیز هم‌چون والد و برخلاف بالغ، انعکاسی از گذشته است (همان: ۵۳). کلیت حالت کودک، هم‌چون حالت والد، در میانه تولد تا پنج سالگی شکل می‌گیرد (هریس، ۱۳۹۱: ۴۲). روان‌شناسان تحلیل رفتار متقابل، برای درک دقیق‌تر حالت کودک، آن را به دو جنبه الف) کودک تطبیق یافته و ب) کودک طبیعی تقسیم می‌کنند.

اریک برن (۱۳۹۱: ۲۳) در تبیین کودک تطبیق یافته می‌گوید: کودک تطبیق یافته

آن است که رفتار خود را تحت تأثیر والد، تغییر شکل می‌دهد، [یعنی] رفتارش همان طور است که پدر یا مادرش می‌خواست [این بدان معناست که او] به طیب خاطر، یا از روی اجبار [به کاری خواهد پرداخت یا از کاری دست خواهد کشید؛ هم‌چنین] ممکن است او خود را با کناره‌گیری و نِگ و نال تطبیق دهد؛ پس تأثیر پدر و مادر، علت است و کودک تطبیق یافته، معلول.

حالت کودک تطبیق یافته را در تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی که شخص از فرمان‌های والدین خود می‌گیرد، باید شناخت. بر این اساس، شخص در حالت کودک تطبیق یافته از نظر وضعیت احساسی و رفتاری ممکن است دو حالت متمایز داشته باشد، یا رفتار و ابراز احساس او به گونه‌ای است که در کودکی به هنگام پذیرش و سازگاری با هنجارها و فرمان‌های والدین داشت و یا به عکس، رفتارها و احساس‌هایی که بروز می‌دهد در تقابل با آن هنجارها و فرمان‌ها است. به هر روی شخص در این حالت، مشغول پاسخ‌گویی به فرمان‌هایی است که والدینش در کودکی، برای او وضع کرده‌اند. بر این اساس، پذیرش قوانین و هنجارها و عرف اجتماعی و هم‌چنین طغیان در برابر قوانین و هنجارها، نمودهایی آشکار از کودک تطبیق یافته در زندگی اجتماعی فرد است. نکته درخور و مهم در مورد این جنبه از حالت کودک آن است که فرد در حالت کودک تطبیق یافته، ممکن است از فرمان‌پذیری در برابر قوانین و فرمان‌های حتی ناخوشایند و ظالمانه نیز احساس رضایت خاطر و خرسندی کند. چرا که فرمان‌پذیری برای کودک تطبیق یافته، یادآور پذیرش فرمان والدین است که اغلب با تشویق و نوازش همراه بود (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۵۷ - ۵۸). چنین حالتی با تداوم فرمان‌پذیری در بزرگسالی به خاطر فرد می‌آید و او را در فرمان‌پذیری پیش‌قدم می‌سازد. اما در حالت کودک طبیعی، شخص از تأثیر والدین و فرمان‌های آنان کاملاً رها و آزاد است. در این حالت، رفتار و احساس فرد، انعکاسی است از لحظاتی که او در کودکی، فارغ از باید و نبایدهای والدین و بزرگ‌ترها، به هر گونه که تمایل داشت، رفتار می‌کرد (همان: ۵۸ - ۵۹). انعکاس این حالت در بزرگسالی خود را با خلاقیت، جذبه، شور و ... بروز می‌دهد.

۳-۳- گونه‌های تبادل

پژوهش‌گران تحلیل رفتار متقابل، تبادل‌ها را به‌طور کل، به دو گروه ساده و نهفته^۱، دسته‌بندی کرده‌اند. در مجموعه تبادل‌های ساده، دو گونه تبادلی متقاطع و مکمل قرار می‌گیرند که در آنها هر کدام از حالات من که به کنش‌گری می‌پردازد، به گونه‌ای آشکار خود را به معرض نمایش می‌گذارد. در حالی که در مجموعه تبادل‌های نهفته، که شامل دو گونه تبادلی زاویه‌دار^۲ و مضاعف^۳ می‌گردد، ممکن است یکی از افراد و یا هر دو فردی که با هم مواجه می‌شوند، در یک کنش‌گری پنهانی، حالت من خود را غیر از آنچه واقعاً هست، بنمایانند. از آن‌جا که برای درک تحلیل‌های این پژوهش، آگاهی تبادل ساده از گونه مکمل، ضروری است. در ادامه به تبیین این گونه از تبادل خواهیم پرداخت و به سبب گستردگی موضوع تبادل‌ها از تبیین باقی آنها چشم‌پوشی می‌نماییم.

۳-۴- تبادل ساده از گونه مکمل

اریک برن، ساده‌ترین نوع تبادل را، چنان تبادلی می‌داند که در آن جنبه‌های بالغ هر دو طرف شرکت‌کننده، مسؤول بروز محرک و اجرای پاسخ باشند. تبادل کودک - والد، از دیدگاه سادگی کنش‌گری متقابل، در مرحله‌ی دوم قرار دارد. این دو گونه تبادل (بالغ - بالغ و کودک - والد)، هر دو از نوع تبادل‌های مکمل هستند. این بدان معناست که در هر یک از این تبادل‌ها «پاسخ، چیزی است مناسب و قابل انتظار [که] از نظم طبیعی روابط سالم انسانی پیروی می‌کند» (برن، ۱۳۷۰: ۲۶). ویژگی بارز تبادل‌های مکمل، قابل پیش‌بینی بودن این تبادل‌ها است (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۱۳۳). یکی از دلایلی نیز که سبب می‌شود این تبادل‌ها بتوانند بدون گسست ادامه یابند، همین ویژگی قابل پیش‌بینی بودن است؛ چرا که هر کدام از طرفین تبادل، در طی رابطه با کنش‌گری غیرقابل پیش‌بینی مواجه نمی‌شوند و بدین طریق، امکان درک و پذیرش متقابل به ادامه یافتن تبادل کمک می‌کند. گفتنی است تا هنگامی که «تبادل‌ها از نوع

-
1. Ulterior transaction.
 2. Angular transaction.
 3. Duplex transaction.

مکمل هستند، ارتباط می‌تواند اصولاً تا بی‌نهایت ادامه داشته باشد» (برن، ۱۳۹۱: ۲۶).

۳-۵- مناسک

مناسک رشته تبادلهایی از گونه مکمل هستند که تنظیم کننده روابط در آنها والد است و کیفیت تبادلها در مناسک می‌تواند بسیار یک‌نواخت باشد. هدف مناسک، دستیابی به احساس خرسندی، از راهی است که ممکن است هیچ اتکایی به امور علمی یا حتی واقعی نداشته باشد. سلام و احوال‌پرسی‌های مرسوم، که تبادلی است اغلب یک‌نواخت میان دو فرد، مراسم نماز کلیسای کاتولیک، مهمانی‌های رسمی که اکثر تبادلها در آن کلیشه‌ای و تکراری است و ... از مناسک به حساب می‌آیند (همان: ۳۵-۴۰). احساس خرسندی حاصل از مناسک از آن‌جا سرچشمه می‌گیرد که کودک تطبیق یافته، احساس می‌کند در حال فرمان‌برداری از برنامه‌ریزی‌ها و سازوکارهایی است که والدینش می‌پسندند و حالت والد جامعه آن را تنظیم کرده است (استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

۳-۶- مناسک حافظ نظام اتوکراتیک

یکی از معضلات پیچیده‌ای که می‌تواند جوامع انسانی را دچار خود کند، نشانی است از جامعه‌ای با فرهنگ استبدادپذیر و شکل‌گیری خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه الگوهای ارتباطی، یک‌نواختی است که به صورت مناسک جلوه‌گر می‌شوند و هدفشان، تعیین چگونگی برقراری تبادل میان فرادستان و فرودستان است. این معضل را می‌توان در ادبیات پارسی و بویژه در متونی که در پیوسته با موضوع سلطنت هستند، پی‌گیری کرد. به عنوان نمونه، تبادل‌های شاه و رعیتی و مرید و مرادی در شماری از موارد، دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توان آنها را جزء مناسک به حساب آورد. در روابطی که در میانه حاکمان و زیردستان رخ می‌دهد، برنامه‌ریزی، تنظیم و آیین تبادلات، توسط والد جامعه تعیین می‌شود و شکل می‌گیرد. آیین‌های ویژه‌ای که در کتاب‌هایی چون سیاست‌نامه، هم‌چون دستور کار روابط اجتماعی مطرح شده است، به خوبی گویای

مدعای ماست. این در حالی است که باورهای دینی نیز، به‌عنوان تأیید کننده چنین روابط والدانه‌ای به‌کار گرفته شده است و بدین‌گونه مناسک، همراه با برخورداری از پشتوانه دین، از رسمیت افزون‌تری برخوردار می‌گشته است. به‌عنوان نمونه، در اندیشه ایرانیان باستان، شاه دارای فر ایزدی و کیفیتی معنوی بوده است. پس از اسلام نیز این اندیشه با توجیهات مذهبی دیگری ادامه می‌یابد. چنین است که این تبادلهای مناسکی را پدید می‌آورند که کودک تطبیق یافته زبردستان را با فرمان‌پذیری، نه تنها از لحاظ دینی ارضاء می‌کند که در کارکردی هم‌راستا با مناسک، امر و نهی والدانه شاه، خرسندی کودک درون آنان را در پی دارد.

۴- مناسک حافظ نظام اتوکراتیک در سیاست‌نامه

در مورد مناسک، چنان‌که پیش‌تر به تفصیل بیان کردیم، ما با تبادلهای یک‌نواختی روبه‌رو هستیم که چارچوب آنها، گویی توسط والد جامعه تدوین شده است و در نهایت، سبب پدید آمدن احساس خرسندی در طرفین می‌گردد. یافتن نمونه‌هایی که نشان از چارچوب‌های از پیش تعیین شده توسط والد جامعه دارد و البته ایجادکننده فرهنگی پذیرای نظام اتوکراتیک نیز باشد، کاری بس دشوار خواهد بود؛ چرا که اغلب نشانه‌های این‌گونه مناسک، به‌گونه‌ای نهانی جلوه‌گر می‌شوند. درک این نکته ضروری است که نظام‌الملک در زمانه‌ای که این متون را به رشته تحریر در می‌آورد، به‌خوبی می‌دانست که چه روابطی را ترویج و چه روابطی را نفی می‌کند. بنابراین وی با تعریف کیفیت روابط شاه رعیتی، به‌صورت تبادلهایی در قالب فرهنگ پذیرای نظام اتوکراتیک، قطعاً به‌عنوان یک ادیب و وزیر، در نقش والد جامعه ظاهر گشته است، والدی که به ترویج چنین روابطی در قالب مناسکی ویژه پرداخته است. در ادامه به نمونه‌هایی می‌پردازیم که در متن سیاست‌نامه آمده است و موجب تقویت مناسک حافظ چنین نظامی در جامعه است.

۴-۱- نمونه و تحلیل ۱

زمانی که نظام‌الملک از مرد روستایی و بهرام گور می‌گوید و از حاجبان سخن به میان می‌آورد: «چون حاجبان او را بدیدند با آن تیر، او را بخواندند، گفتند: ای آزادمرد! کجایی؟ که ما چند روز است تا تو را چشم همی داریم. این جا بنشین، تا ما تو را پیش خداوند این تیر بریم» (نظام‌الملک، ۱۳۸۵: ۳۴). قطعاً به این رسم که هر شاهی به حاجب و پرده‌داری نیاز دارد تا مردم عادی را از ورود به کاخ منع کند و بر ورودی کاخ‌ها نظارت داشته باشد، اشاره دارد. در ادامه این بخش می‌گوید: «بهرام گور بیرون آمد و بر تخت نشست و بار داد. حاجبان دست این مرد گرفتند و به بارگاه بردند» (همانجا). بر تخت نشستن، بار دادن و این که حاجبان دست مرد را می‌گیرند، به پیش‌گاه شاه می‌برند، همه نشانگان آشکار رسومی هستند که کنش‌گری شاه از حالت والد را تقویت می‌کند و به همگان می‌فهماند بایستی از جایگاه کودک تطبیق یافته با او به تبادل پردازند، چنین است که مرد روستایی واکنشی از همین حالت من ابراز می‌دارد: «چون حاجبان او را پیش تخت آوردند، ملک را نماز برد» (همانجا). مجموع این رسوم و تبادل‌هایی که به واسطه آن پدید می‌آید، نشان از مناسک حافظ نظام اتوکراتیک دارد که در آن شخص حکمران، از جایگاه والد به کنش‌گری می‌پردازد و مردم از جایگاه کودک تطبیق یافته. حکایات این‌چنینی، از سویی نشان از وجود مناسک حافظ نظام اتوکراتیک در جامعه گذشته دارد و از سویی، ذکر آن در یک اثر ادبی، بدون آن که مورد نقد قرار گیرد، می‌تواند رواج دهنده چنین فرهنگی در جامعه باشد.

۴-۲- نمونه و تحلیل ۲

نظام‌الملک در فصل دیگری با نام "اندر صاحب‌خبران و منہیان و تدبیر کارهای مملکت کردن"، از لزوم وجود خبرگزاران برای حکومت سخن می‌گوید: «واجب است بر پادشاهان از احوال رعیت و لشکر و دور و نزدیک خویش بر رسیدن و اندک و بسیار، آن چه رود، بدانستن» (همان: ۷۴). نظام‌الملک در این فصل به بیان نکاتی می‌پردازد که می‌توان آنها را تشویق شاه به ایجاد شرایطی تفسیر کرد که مردمان با خرسندی از حالت

من تطبیق یافته به تبادل با شاه پردازند و در روابط خود چارچوب‌هایی را در نظر گیرند که والد اجتماع حکم نموده است: «چون چنین باشد، مردمان پیوسته بر طاعت حریص باشند و از تأدیب پادشاه ترسند و کس را زهره آن نباشد که در پادشاه عاصی تواند بود و یا بد او یارد اندیشیدن که صاحب‌خبر و منهی گماشتن از عدل و بیداری و قوی‌رایی پادشاه باشد و آبادان کردن ولایت» (همان: ۷۵). در چنین وضعیتی قطعاً تبادل مردم با شاه و حتی درباریان، حالت گونه‌ای مناسک می‌گیرد که در آن برخی سخنان خاص گفته می‌شود (مثل ذکر بزرگی‌های شاه) و برخی حرکات به نشانه حرمت نهادن (مثل تعظیم) شایع می‌گردد و هراس از شاه به یک حالت مرسوم تبدیل می‌گردد. نکته جالب آن جاست که شاهان به سبب احساس خوشایندی که از این مناسک دارند، به گونه‌های مختلف آن را تقویت می‌کنند.

۴-۳- نمونه و تحلیل ۳

سخنان نظام‌الملک در آغاز فصل یازدهم سیاست‌نامه، با عنوان "اندر تعظیم داشتن فرمان‌های عالی و مثال‌ها که از درگاه نویسند" خود دلیل محکمی است بر آن که حاکمان، می‌کوشیده‌اند تا با ارائه تصویری مقتدرانه و از جایگاه والد، کودک تطبیق یافته زیردستان خود را به پذیرش احکام خود وادارند و در این راه، هیچ باکی از بهره بردن از خشونت و ابزارهای غیرمنطقی نداشته‌اند: «نامه‌ها از درگاه بسیار می‌نویسند، و هرچه بسیار گردد حرمتش بشود. باید که تا مهمی نبود از مجلس عالی چیزی ننویسند و چون بنویسند، باید که حشمتش آن‌چنان بود که کس را زهره آن نباشد که آن را از دست بنهد تا فرمان را پیش نبرد و اگر معلوم گردد که کسی در آن فرمان به چشم حقارت نگریسته است و اندر پیش شدن، به سمع و طاعت، کاهلی کرده است، آن کس را مالش بلیغ دهند و اگر چه از نزدیکان بود. فرق میان پادشاه و دیگر مقطعان و مردمان، فرمان‌روان است» (همان: ۸۴). چنان‌که می‌بینید سیاست‌نامه که شیوه‌نامه حکومت در قرن پنجم هجری قمری به حساب می‌آید و در تعیین چارچوب تبادلات مربوط به حکومت، نقش ویژه‌ای داشته‌است، آیین‌نامه‌نگاری شاه را بر موضع‌گیری از جایگاه والد تعیین

کرده است. دیگر نمونه‌های ذکر شده در این کتاب نیز حاکی از آن هستند که حاکمان به هنگام آغاز تبادل، از جایگاه والد به کنش‌گری می‌پردازند و از مخاطبان توقع دارند که از جایگاه کودک تطبیق یافته پاسخ آنان را بدهند. مجموعه این چارچوب‌ها و قواعد، گونه‌ای مناسک را پدید می‌آورد که فرهنگ پذیرش نظام اتوکراتیک را گسترش می‌دهد و در نهایت چنین نظامی می‌تواند سبب رواج استبداد گردد.

۴-۴- نمونه و تحلیل ۴

با خوانش سیاست‌نامه، به مواردی بر می‌خوریم که در آن حاکمان برای تخطی از مناسکی که به سود ادامه حکومتشان است، مجازات سختی قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه، زنی از نیشابور برای دادخواهی به غزنین می‌رود و به سلطان محمود از زمینی می‌گوید که امیر نیشابور به ناحق از او ستانده است. سلطان محمود نامه‌ای با این مضمون می‌نگارد: «ضیاع بدو بازده» (همان: ۸۴). زن، نامه را نزد امیر نیشابور می‌برد و امیر نیشابور می‌گوید: «این ضیاع من است و حالش به درگاه باز نمایم» (همانجا). در پی این پاسخ، زن دوباره برای دادخواهی راهی دربار محمود می‌شود، نافرمانی از نامه دربار و شکستن چارچوب مناسک، کنش‌گری کوبنده حکومت را در پی دارد: «غلام فرستادند و این عامل را از نیشابور به غزنین بردند و هزار چوب، بر در سرای بزدندش، از پس آن که او این چوب را به امید شفیع به بیست هزار دینار نیشابوری باز می‌خرد و بنفروختند و گفتند اگر چه این ضیاع تو را درست بود، چرا به حکم فرمان نرفتی و بعد از آن حال نمودی تا آن چه واجب آیدی اندر آن بفرمودیمی؟» (همان: ۸۴ - ۸۵). جالب آن‌جاست که مأموران حکومتی، اعتراف می‌کنند که ادعای امیر نیشابور درست بوده است و سبب این تنبیه، نافرمانی از نامه خلیفه است. توضیحات نظام‌الملک در این مورد، روشن‌گر کیفیت مناسکی است که حاکمان در ترویج آن می‌کوشیده‌اند: «و این از بهر آن بوده است تا چون دیگران این حال بشنوند، کس زهره ندارد که در فرمان پادشاه تقصیر کند و هر چیزی همچنین که به پادشاه تعلق دارد و او را رسد که آن کند و یا فرماید، چون مالش دادن و گردن زدن و دست و پای بریدن و خادم کردن و هر

سیاستی که باشد و اگر کسی بی‌دستوری و فرمان پادشاه چنین چیزی کند تا چاکر و درم خریده خویش را، هم‌داستان نباید بود و او را مالش باید داد، تا دیگران خویشان را بشناسند و عبرت گیرند» (همان: ۸۵).

۴-۵- نمونه و تحلیل ۵

چنان که گفتیم یکی از ویژگی‌های مناسک، داشتن چارچوب‌های خاصی است که گویی به وسیله والد جامعه طرح شده و کودک تطبیق یافته افراد از قرار گرفتن در آن، احساس خرسندی می‌کنند و نوازش می‌گیرند. نظام‌الملک در بعضی از بخش‌های کتاب به ذکر دقیق آدابی می‌پردازد که در راستای تداعی جلال و شکوه شاه در نظر بینندگان و استوار داشتن مناسک طرح گشته‌اند: «و دیگر هر یکی را از ندیمان مرتبتی و منزلتی باشد، بعضی را محل نشستن باشد و بعضی را محل ایستادن، چنان که از قدیم باز، عادت مجلس ملوک و خلفا بوده است و هنوز این رسم در خاندان قدیم مانده است و خلیفه را همیشه چندان ندیم باشد که پدران او را بوده است و سلطان غزنین را همیشه بیست ندیم بوده است ده بر پای و ده نشسته و ایشان این رسم و ترتیب از سامانیان دارند و باید که ندیمان پادشاه را کفافی و حرمتی تمام باشد میان چشم و ایشان باید که خویشان دار و مهذب باشند و پادشاه‌دوست» (همان: ۱۰۸).

۴-۶- نمونه و تحلیل ۶

نظام‌الملک در راستای گسترش هیبت و جلال حالت والد شاه، به تدوین آدابی پرداخت که کنش‌گری زیردستان از حالت کودک تطبیق یافته در مناسک حافظ نظام اتوکراتیک را تضمین کند. به‌عنوان نمونه، در فصل "اندر ساختن سلاح‌های مرصع و زینت بارگاه"، نظام‌الملک چنین می‌گوید: «باید که پیوسته بیست دست سلاح خاص، همه مرصع و غیر آن، ساخته باشند و در خزانه نهاده، تا به هر جشنی و یا به هر وقتی که رسولان رسند از اطراف جهان، بیست غلام با جامه‌های نیکو، آن سلاح بردارند و گردِ تخت بایستند و هر چند این ملک بحمدالله تعالی به جایگاهی رسیده است که از چنین تکلف‌ها مستغنی

است، لیکن زینت مُلک و زینت پادشاهی نگاه باید داشت» (همان: ۱۱۲). در حقیقت، تلاش برای حفظ زینت دربار، همان تلاش برای حفظ نگاه خودبزرگ بین پادشاه است که به مناسک حافظ نظام اتوکراتیک می‌انجامد. جالب آن جاست که در این تلاش، از نظر نظام‌الملک، افراط امری واجب است: «واجب چنان کند که هر چه پادشاهان یکی دارند، مَلک باید که ده دارد و هر چه ایشان ده دارند، ملک باید که صد دارد، که این جا همت و آلت و عُدّت و مروّت و رای و بزرگی و مملکت، هر چه باید هست» (همانجا).

۴-۷- نمونه و تحلیل ۷

در فصل "اندر داشتن ترکمانان در خدمت" با نمونه دیگری مواجه می‌شویم که می‌توان آن را تلاش برای ترویج و گسترش مناسک حافظ نظام اتوکراتیک نامید. در این بخش، نظام‌الملک از ترکمانان غز یاد می‌کند، قومی که در اوایل، یاریگر سلجوقیان بودند، اما به سبب راهزنی‌ها و بی‌رسمی‌هایی که پس از به قدرت رسیدن سلاجقه از خود نشان دادند، توسط شاهان سلجوقی سرکوب شدند. نظام‌الملک درباره این قوم می‌گوید: «از فرزندان ایشان، مردی هزار را نام باید نوشت و بر سیرتِ غلامان سرای، ایشان را می‌پرورد که چون پیوسته در خدمت مشغول باشند، ادبِ سلاح و خدمت بیاموزند و با مردم قرار گیرند و دل بنهند و همچون غلامان خدمت کنند و آن نفرت که ایشان را حاصل شده است، در طبع زایل گردد و هرگاه که حاجت افتد، پنج هزار و ده هزار به خدمتی که نامزد شوند، برنشینند با زینت و ساز غلامان، تا از این دولت بی‌نصیب نباشند و ملک را محمّدت حاصل آید و ایشان خشنود باشند» (همان: ۱۲۵). این پیشنهاد، نشانی از هوشیاری بالای نظام‌الملک در امور سیاسی است. هدف او از ارائه این راهکار، رواج مناسک حافظ نظام اتوکراتیک در میان این قوم راهزن و فاقد تمدن است. او می‌داند که پروردن هزار غلام ترکمان، یعنی گسترش یک فرهنگ ویژه در میان چندهزار خانواده و خوگر شدن قومی به حالت والد شاه. هدف او آن است که این غلامان بیاموزند که باید، از حالت کودک تطبیق یافته و در چارچوبی ویژه، به تبادل با رأس قدرت پرداخت و در پی آن آموخته‌های خویش را به خانواده‌های خود منتقل کنند.

۴-۸- نمونه و تحلیل ۸

نقش نوازش^۱ در تقویت رفتار، نقشی خطیر و بنیادین است. اگر قرار است فرهنگی در جامعه پابرجا شود و گسترش یابد، بایستی تدابیر ویژه برای تشویق (و به اصطلاح روان‌شناسی برن نوازش) افراد مرتبط اندیشیده شود، گسترش مناسکی که نشان از نظامی اتوکراتیک دارند نیز، از این قاعده مستثنی نیست. نظام‌الملک از این مسأله نیز فارغ نبوده و در بخشی تحت عنوان "ترتیب غلامان سرای" به ذکر مراتبی پرداخته است که در چارچوب آن، غلامان می‌توانند در صورت خوش‌خدمتی، از ارتقای درجه و نوازش گرفتن، اطمینان یابند: «و هنوز در روزگار سامانیان، این ترتیب برجای بود و به تدریج براندازه خدمت و شایستگی، غلام را درجه می‌افزودندی. چنان‌که غلامی بخريدندی، یک سال او را پیاده در رکاب خدمت فرمودندی با قبایی زندنجی و موزه و آن غلام را فرمان نبودی که نهان و آشکارا در این یک سال بر اسب نشیند و اگر معلوم شدی مالش دادنی و چون یک سال با موزه خدمت کردی، و شاق باشی با حاجب بگفتی و حاجب معلوم پادشاه کردی، آن‌گاه او را اسبکی ترکی فرمودندی با زینکی درخام گرفته و لگامی دوال ساده و چون یک سال با اسب و تازیانه خدمت کردی، سوم سال او را قراچوری دادندی تا بر میان بستی و سال چهارم کیش و قربان فرمودندی تا به وقت برنشستن بربستی. سال پنجم زینتی بهتر و لگامی بکوکب و قبایی و دبوسی که در دبوس حلقه آویختی. سال ششم ساقیی فرمودندی و آبداری و قدحی از میان درآویختی و سال هفتم جامه‌داری و سال هشتم خیمگی یک‌سری شانزده میخی بدادندی و سه غلامک نوخریده را در خیل او کردند و او را و شاق باشی لقب دادندی» (همان: ۱۲۷).

وجود چنین چارچوب‌هایی برای مراتب غلامان، سبب می‌شود که هرکدام از آنان در حفظ و رعایت دقیق مناسک حافظ نظام اتوکراتیک، از دیگری پیشی گیرند و از تبادل در قالب این مناسک، احساسی خوشایند داشته باشند. بدین ترتیب، کودک تطبیق یافته آنان می‌آموزد که هر چه در برابر والد فرادستان بیشتر فرمان‌پذیر باشد، بیشتر

۱. برن (۱۳۹۱: ۵) در تعریف اصطلاح نوازش (Strokes) می‌گوید: «نوازش را می‌توان اصطلاحاً هر نوع حرکتی به حساب آورد که به رسمیت شناختن حضور دیگری را نشان می‌دهد. بنابراین نوازش را می‌توان واحد اساسی عمل اجتماعی نامید. تبادل نوازش‌ها، رفتار متقابلی را تشکیل می‌دهد که واحد آمیزش اجتماعی است.»

نوازش می‌گیرد. پیامد چنین وضعیتی، پذیرش هر چه بیشتر نظام اتوکراتیک در میان این افراد است.

۹-۴- نمونه و تحلیل ۹

از دیگر نمونه‌هایی که اثبات می‌کند مراتب غلامان و نظام ارتقای درجه، در گسترش مناسک حافظ نظام اتوکراتیک و فرمان‌پذیری افراد، نقش برجسته‌ای داشته است، حکایتی است که نظام‌الملک در بخشی تحت عنوان "شایستگی و کاردانی سبکتگین" ذکر می‌کند. در این حکایت می‌خوانیم که الپتگین، دویست غلام را که یکی از آنها سبکتگین بود، برای گرفتن مال و چهارپا از ترکمانان، راهی می‌کند. ترکمانان مال را نمی‌پردازند و تعدادی از غلامان تصمیم می‌گیرند به زور متوسل شوند. در این میان سبکتگین با دیگران مخالفت می‌کند و در میان غلامان دو دستگی ایجاد می‌شود. پس از این ماجرا، غلامان نزد الپتگین باز می‌گردند و برخی از آنان از سبکتگین شکوه می‌کنند که او نگذاشت با جنگ به مقصود خود برسیم. الپتگین، سبکتگین را بازخواست می‌کند، پاسخ سبکتگین درخور توجه است: «از جهت آن که خداوند ما را فرموده بود که جنگ کنید و اگر ما، بی‌فرمان خداوند، جنگ کردیم، پس هر یکی خداوندی بودیم نه بنده، که نشان بندگی آن باشد که همه آن کند که خداوند فرماید» (همان: ۱۳۰). این سخنان، نشانی است از تلاش سبکتگین در ترویج مناسک حافظ نظام اتوکراتیک. او با ابراز فرمان‌برداری از حالت کودک تطبیق یافته خود می‌کوشد به حفظ چارچوب‌هایی بپردازد که والد جامعه تعیین کرده است و البته تلاش او در این راستا، با نوازش همراه می‌گردد: «الپتگین را خوش آمد گفت، "راست می‌گوید" پس همچنین او را بر می‌کشید، تا به جایی رسید که سیصد غلام خیل داشت» (همانجا).

۱۰-۴- نمونه و تحلیل ۱۰

تلاش نظام‌الملک برای احیای چارچوب‌هایی که پیش از اسلام نیز رواج داشت و سبب ترویج مناسک حافظ نظام اتوکراتیک می‌گشت، در امور مربوط به دربار بیش از دیگر

موارد مشهود است. مناسکی که در قالب آداب مختلف جلوه گر می‌شد و هدفش نمایش جلال و شکوه شاه و ترغیب مخاطبان به کنش‌گری از حالت من کودک تطبیق یافته بود. به‌عنوان نمونه، در فصل "اندر ترتیب بار دادن خاص و عام" ما شاهد تبیین یکی از این چارچوب‌ها هستیم: «بار دادن را ترتیبی باید، اول خویشاوندان در آیند، پس از آن معروفان چشم، پس از آن دیگر اجناس مردمان. چون همه به یک‌جا در آیند، میان وضع و شریف فرقی نباشد و نشان بار آن باشد که پرده بردارند و نشان آن که راه نبود جز کسی را که خوانند، علامتش آن بود که پرده فرو گذارند» (همان: ۱۴۴). تبیین دقیق آیین بار دادن، تلاشی بود که در راستای حفظ این مناسک در ساختار قدرت صورت می‌گرفت. ترتیب افرادی که می‌توانند به دیدار شاه آیند، نشان از میزان اقتدار و فرادست بودن افراد است و گونه‌ای اعلام علنی کسانی است که حق دارند از حالت من والد، با زیردستان تبادل داشته باشند.

۴-۱۱- نمونه و تحلیل ۱۱

یکی دیگر از بخش‌های سیاست‌نامه که می‌توان آن را ارائه راهکاری برای حفظ مناسک حافظ نظام اتوکراتیک به حساب آورد، فصلی است با عنوان "اندر حاجت‌ها و التماس‌های لشکر" که در آن آمده است: «هر حاجتی که لشکر را بود، باید که بر زفان سرخیلان و مقدمان ایشان باشد، تا اگر نیکویی فرموده شود، بر دست ایشان بود و بدان سبب ایشان را حرمتی حاصل شود که چون مراد خویش خود گویند، به واسطه‌ای حاجت نیفتد و سرخیل را حرمتی نماند و اگر کسی از خیل بر مقدم خویش دراز زفانی کند و یا حرمت او نگاه ندارد و از حد خویش بگذرد، او را مالش باید داد، تا مهتر از کهتر پدیدار باشد» (همان: ۱۴۹). واضح و آشکار است که تلاش نظام‌الملک در ذکر مراتب، با هدف شکل دادن به روابط دربار به گونه‌ای ویژه و در چارچوبی معین است. او به گونه‌ای ضمنی، مناسکی را بنیان می‌نهد که در آن حالت من زیردستان، همواره کودک تطبیق یافته و حالت من فرادستان، همواره والد است. چنین تبادلهای و نوازش‌ها نیز به گونه‌ای است که این مناسک با احساس خرسندی افراد همراه باشد و تقویت گردد.

۴-۱۲- نمونه و تحلیل ۱۲

مناسک حاکم بر روابط درباریان، همواره دارای ویژگی‌هایی است که در راستای اقتدار هر چه بیشتر والد شاه شکل گرفته‌اند. یکی از این رسوم درباری آن است که پادشاه به هنگام هدیه دادن به زیردست، هدیه را به پیش شخص هدیه گیرنده می‌اندازد. مناسک برخاسته از فرهنگ پذیرای نظام اتوکراتیک، در روابط این‌چنینی به وضوح قابل تشخیص است. به عنوان نمونه، نظام‌الملک در یکی از حکایت‌های سیاست‌نامه از فردی می‌گوید که از زیبایی انگشتی شاه شگفت‌زده می‌گردد و در آن خیره می‌ماند: «چون ملک دید که من در انگشتی او بسیار نگرم، انگشتی از انگشت بیرون کرد و پیش من انداخت. من خدمت کردم و بوسی بر انگشتی دادم و پیش ملک باز نهادم. ملک برداشت و پیش من نهاد و گفت، انگشتی که از انگشت من بیرون آمد، بر سبیل هبه و عطا، باز در انگشت من نیاید» (همان: ۲۱۵). انداختن انگشت و تبادلی که شاه با شخص زیردست دارد، اگر چه سخاوتمندانه در قالب مناسکی است که از فرهنگ پذیرای نظام اتوکراتیک حکایت دارد و پیامد آن، پذیرش قدرت مطلق یک فرد در رأس نظام اداری است.

۵- برآیند بررسی سیاست‌نامه

اکنون پس از بررسی علمی، دقیق و همه‌جانبه متن سیاست‌نامه می‌توان ادعا کرد که نمونه‌ها اثبات می‌کنند که فرمانروایان اتوکرات، همواره ترجیح می‌دهند با زیردستان خود از حالت من‌والد به تبادل بپردازند و برای به واقعیت پیوستن این امر، مناسکی متناسب با آن را در جامعه گسترش و ترویج می‌دهند، امری که در نهایت، سبب ترویج فرهنگی پذیرای نظام اتوکراتیک در جامعه می‌گردد. نظامی که با توجه به قدرت نامحدود فرمانروا، امکان ایجاد استبداد در آن فراوان است، در نتیجه، مناسک حافظ نظام اتوکراتیک، از یک سو نظم در جامعه را حفظ می‌کند و از دیگر سو، زمینه پذیرش استبداد در اجتماع را گسترش می‌دهد. وجود نشانگان متعدد چنین فرهنگی در سیاست‌نامه، اثبات می‌کند که این اثر برجسته ادب پارسی، که به عنوان شیوه‌نامه حکومتی سلجوقیان نیز شناخته می‌شود، افزون بر آن که تحت تأثیر فرهنگی پذیرای

نظام اتوکراتیک نگاشته شده است، با مناسکی که خواسته یا ناخواسته، با زبان فاخر خود ترویج می‌دهد، سبب پایایی و انتقال نظام اتوکراتیک، از نسلی به نسل دیگر گشته است. نظامی که به سبب اقتدار مطلق فرمانروا و عدم نظارت بر او، ریشه دواندن استبداد در آن بسیار محتمل است.

۶- علل وجود مناسک حافظ نظام اتوکراتیک در سیاست‌نامه

باید به این نکته توجه داشت که نظام‌الملک طوسی چنان مرتبه‌ای در حکومت سلجوقیان داشت که پژوهشگران تاریخ، چنان‌که پیش‌تر نیز به آن اشاره نمودیم، ترور او را، طلعه سقوط حکومت سلجوقیان در ایران دانسته‌اند. سلسله سلجوقیه که با پیروزی طغرل بیگ و برادرش چغری بیگ بر مسعود غزنوی بنیان نهاده شده بود (همان: ۴۶۱) و در مدت سلطنت ده‌ساله البارسلان و سلطنت بیست‌ساله ملکشاه به اوج خود رسیده بود (پیرا، ۱۳۸۷: ۱۵۵)، بدون بهره‌گیری از دیدگاه‌های نظام‌الملک در امر کشورداری، هرگز به چنان گستردگی و اقتداری دست نمی‌یافت.

نظام‌الملک پس از آن که به وزارت رسید، کوشید با برقراری دستگاه دیوان‌سالاری به سبک ایرانی، هرج و مرج حاکم بر امور حکومتی را از میان ببرد (همان: ۱۵۹). گام دوم او تغییر دیدگاه سلجوقیان نسبت به کیفیت پادشاهی بود. سلجوقیان رهبری و حکومت را حق همه اعضای خانواده می‌دانستند، به همین سبب بود که پس از پیروزی طغرل بیگ و چغری بیگ بر مسعود غزنوی، در برخی شهرهای خراسان خطبه به نام طغرل و در برخی دیگر به نام چغری خوانده می‌شد. نظام‌الملک کوشید با ارائه دیدگاهی که برآمده از نگاه ایرانیان به امر سلطنت بود، جایگاه شاه سلجوقی را که در واقع فراتر از جایگاه فرماندهی سران قبایل ترک نبود، به مقام شاهی فرهمند، یگانه و با اقتدار مطلق، تغییر دهد (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۰۳)؛ نظام‌الملک با رواج این اندیشه که منتهی به ایجاد یک حکومت مرکزی مقتدر می‌شد، کوشید از آشفتگی‌های منتج از قدرت نامتمرکز، جلوگیری کند. بنابراین، نگاشته‌های او آشکارا در خدمت گسترش مناسکی است که حافظ حکومتی سلطنتی و اتوکرات باشد.

تلاش‌های نظام‌الملک برای بر ساختن حکومتی مقتدر از این قبایل نامتمدن، به همین جا ختم نشد، بلکه او کوشید برای مشروعیت بخشی به حکومت سلجوقیان، آنان را به عنوان مدافعان اسلام تسنن معرفی کند (همانجا). در این راستا، نظام‌الملک نیاز به واعظان، مبلغان و اندیشمندانی داشت که نبض اندیشه مردم را در دست بگیرند و به سمت و سویی که او می‌خواست، متمایل سازند. تأسیس مدارس نظامیه در نقاط مختلف کشور و تلاش برای حذف مراکز علمی مستقل، اقدامی در راستای این تفکر بود. در این مدارس که ادبیات عرب، فقه، حدیث و دیگر علوم اسلامی با محوریت تفاسیر مذهب شافعی تدریس می‌شد (فلاح، ۱۳۸۳: ۷۹). هدف، حذف شماری از مذاهب، گسترش وحدت مذهبی و البته پیشبرد مقاصد سیاسی نظام‌الملک بود (پیرا، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

آفت دیدگاه‌های نظام‌الملک، باور به گونه‌ای حکومت سلطنتی مطلق از نوع اتوکراتیک بود، نگرشی که با توجه به زمانه و شرایط روزگار نظام‌الملک، قابل درک است. او از اقتدار مطلق که نظام اتوکراتیک مورد نظرش ایجاد کرده بود، برای سرکوب مذاهب دیگر نیز بهره می‌برد که خود نمودی است از تبدیل نظام اتوکراتیک مورد نظر وی به نظامی استبدادی. نظام‌الملک پنج فصل (فصول ۴۳ تا ۴۷) از فصول پنجاه گانه کتاب *سیاست‌نامه* را به خطر بدمذهبان اختصاص داده است که خود نشان از نگرش وی به مذاهب دیگر دارد. چگونگی تبلیغ و جدال علیه به اصطلاح او بدمذهبان، در رأس آموزش‌های مدارس نظامیه قرار داشت، تا آن جا که این مدارس آشکارا به عرصه تبلیغ یک مذهب خاص (شافعی) و سرکوب هر اندیشه‌ای جز آن، مبدل گشته بود (فلاح، ۱۳۸۳: ۷۷-۷۸). چه بسا همین تلاش مفرط او در سرکوب دگراندیشان بود که در نهایت، سبب شد یکی از همان به گمان او بدمذهبان اسماعیلی، دست به ترور او بزند.

باور نظام‌الملک به حکومت سلطنتی، امری آشکار بود که پیش تر نیز به آن اشاره کردیم. بر پایه این دیدگاه، او حتی برای نظام اقطاع داری نیز قوانینی ایجاد کرد. طبق این قانون، مالکیت قطعی و مطلق، تمام زمین‌ها، حتی زمینی که توسط سلطان به شخصی بخشیده می‌شود، باز هم از آن خود سلطان است. با این رویکرد، نظام‌الملک از یک سو می‌توانست ادعا کند که پادشاه برای دفاع از حقوق کارگران در برابر ظلم

مقطعان، در هر کجا که مایل باشد، می‌تواند تصرف کند و از دیگر سو، بر مطلق بودن قدرت پادشاه، تأکید می‌کرد (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۰۳). رویکرد دیگری که می‌تواند نشانه تمایل نظام‌الملک به حفظ قدرت در دست یک تن و حتی خانواده سلطنتی باشد، انتصاب هر دوازده فرزندش به شغل‌های حساس دیوانی و حکومت ولایات سوق‌الجیشی است. امری که اواخر عمرش، سبب گسترش برخی بدگویی‌ها و آزرده‌خاطر گشتن ملک‌شاه از وی گشته بود (پیرا، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

نتیجه

چنان‌که پیش‌تر در بررسی شخصیت و دیدگاه‌های خواجه نظام‌الملک طوسی به تفصیل بیان کردیم، او را بایستی از جمله سیاستمداران باورمند به حکومت سلطنتی دانست که اقتدار مطلق شاه را سبب جلوگیری از بروز استبداد حاکمان و زمین‌داران می‌داند و از هر روشی برای ترویج فرهنگی پذیرای حکومت اتوکراتیک، بهره می‌برد. روشی که نظام‌الملک برای گسترش این فرهنگ از آن بهره می‌برد، قوام بخشیدن به مناسک حافظ نظام اتوکراتیک است که پیش‌تر در بطن جامعه وجود داشته است و او با احیای آن در قالب مناسکی ویژه، کنش‌گری مردم از حالت کودک تطبیق یافته در برابر حالت والد شاه را تقویت می‌کند تا نظام اتوکراتیک مورد نظرش به ثبات برسد. ناگفته پیداست که قدرت مطلق در درازمدت، خود منشأ فساد و تباهی است و نظام سلطنتی از نوع اتوکراتیک آن، در نهایت می‌تواند موجب بروز و گسترش استبداد گردد. از این‌روی، *سیاست‌نامه* افزون بر آن که به‌عنوان یکی از متون ادبی سترگ، تأثیرات ژرفی بر فرهنگ ما گذاشته است، می‌تواند به‌عنوان اثری که حاوی نشانگان زبانی مناسک حافظ نظام اتوکراتیک است، شناخته شود. مناسکی که فرهنگی پذیرای استبداد پدید می‌آورد و بی‌بهرگی مخاطبان این اثر از نگرشی ناقدانه، می‌تواند گسترش دهنده چنین فرهنگی باشد.

منابع

- استوارت، یان؛ جونز، ون (۱۳۹۱). تحلیل رفتار متقابل: تأملی در روان‌شناسی تجربی. ترجمه بهمن دادگستر. تهران: دایره.
- اکبری، احمدرضا (۱۳۸۷). "خواجه نظام‌الملک و فلسفه نگارش سیاست‌نامه". کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال دوازدهم، ش ۹، پیاپی ۱۲۸ (دی): ۱۰۱-۱۰۳.
- ایزدی، علی محمد (۱۳۸۵). چرا عقب مانده‌ایم؟. تهران: علم.
- برن، اریک (۱۳۷۰). بازی‌ها، روان‌شناسی روابط انسانی. ترجمه اسماعیل فصیح. تهران: البرز.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۶). سبک‌شناسی، ج ۳. تهران: امیرکبیر.
- پیرا، فاطمه (۱۳۸۷). "جنسیت و قدرت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک". پژوهش زنان، دوره ششم، ش ۳، پیاپی ۲۲ (پاییز): ۱۵۵-۱۶۹.
- روزبه، خسرو؛ معنوی، مسعود (بی تا). واژه‌های سیاسی. تهران: پژوهش.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴). روزگاران، تاریخ ایران. تهران: سخن.
- فلاح، مرتضی (۱۳۸۳). "خواجه نظام‌الملک: سیاست در نامه، سیاست در عمل". کاوش‌نامه، سال پنجم، ش ۱، پیاپی ۹ (پاییز و زمستان): ۶۷-۹۰.
- فیروزبخت، مهرداد (۱۳۸۴). اریک برن، بنیان‌گذار تحلیل رفتار متقابل. تهران: دانژه.
- نظام‌الملک، حسن بن علی (۱۳۸۵). سیاست‌نامه (سیرالملوک). به اهتمام جعفر شعار. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی؛ امیرکبیر.
- هریس، تامس (۱۳۹۱). وضعیت آخر. ترجمه اسماعیل فصیح. تهران: فرهنگ نشر نو.
- Sadeghimanesh, Ali; Rahimi, Abolghasem (2013). "Continuation of Despotism in Sufis' Rituals in Iran Society Typology of Transaction in Attar's Tazkirat al-Awliyā, Based on the psychological commentaries of Eric Berne". *Studies in Literature and Language*, Vol. 7, No. 1: 65-66.